



بررسی مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس

سید محمد رضا حسینی جهرمی، نرگس خواجوی

دکترای اقتصاد، استاد دانشگاه، فارس، جهرم

کارشناسی ارشد مدیریت آموزشی، آموزگاری، فارس، جهرم



MDOI-02-2026.0097
MNR-98-2-7DD017

چکیده

آموزش به عنوان یکی از اساسی ترین ستونهای توسعه پایدار، همواره مورد توجه دولتها و جوامع بشری بوده است. در سالهای اخیر، با توجه به چالشهای مالی فزاینده دولت ها و همچنین افزایش تقاضا برای آموزش باکیفیت، بحث مشارکت بخش خصوصی در ارائه خدمات آموزشی، به ویژه در سطوح مختلف مدارس، مورد توجه سیاستگذاران قرار گرفته است. این پژوهش با هدف بررسی مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس، به روش توصیفی-تحلیلی و با اتکا به مطالعات کتابخانه ای و نظری به ارزیابی این پدیده پرداخته است. یافته های کلی پژوهش نشان می دهد که ورود بخش خصوصی می تواند منجر به افزایش رقابت، بهبود کیفیت آموزشی، تنوع در برنامه های درسی و کاهش فشار مالی بر دولت شود. با این حال، معایب قابل توجهی نیز در این زمینه وجود دارد که از جمله آنها می توان به تشدید نابرابری آموزشی، تجاری شدن آموزش و کاهش دسترسی اقشار کم درآمد به آموزش با کیفیت اشاره کرد. نتیجه گیری کلی حاکی از آن است که در حالی که مشارکت بخش خصوصی ظرفیت هایی را برای ارتقای نظام آموزشی فراهم می آورد، تدوین سیاستهای دقیق و نظارت مستمر برای جلوگیری از پیامدهای منفی احتمالی و تضمین عدالت آموزشی امری ضروری است.

کلمات کلیدی

خصوصی سازی آموزش، بخش خصوصی، کیفیت آموزشی، عدالت آموزشی، سیاستگذاری آموزشی

مقدمه

آموزش، سنگ بنای توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه‌ای محسوب می‌شود. این نهاد بنیادین، با توانمندسازی افراد و ارتقاء سرمایه انسانی، نقش محوری در پیشرفت و بالندگی جوامع ایفا می‌کند. در دنیای امروز، آموزش دیگر صرفاً یک حق فردی تلقی نمی‌شود، بلکه به عنوان یک کالای عمومی حیاتی و زیربنایی برای رفاه جمعی و پیشرفت ملی شناخته می‌شود. میزان و کیفیت آموزش افراد یک جامعه، به طور مستقیم بر بهره وری نیروی کار، نوآوری، رشد اقتصادی، انسجام اجتماعی و سطح رفاه عمومی تأثیر گذار است.

در دهه‌های اخیر، بسیاری از کشورهای جهان با چالش‌های متعددی در حوزه آموزش روبرو بوده‌اند. افزایش جمعیت، گسترش شهرنشینی، شکاف بین عرضه و تقاضا برای خدمات آموزشی با کیفیت، و محدودیت های مالی دولتها، همگی به تدریج منجر به بازنگری در رویکردهای سنتی تأمین مالی و ارائه خدمات آموزشی شده‌اند. در این میان، مشارکت بخش خصوصی در ارائه خدمات آموزشی، از جمله در سطح مدارس، به عنوان یکی از راه‌های بالقوه برای مواجهه با این چالشها مطرح گردیده است. این روند که در ادبیات پژوهشی با عنوان "خصوصی سازی آموزش" شناخته می‌شود، شامل طیف وسیعی از مداخلات بخش خصوصی، از تأمین مالی مدارس گرفته تا مدیریت و ارائه مستقیم خدمات آموزشی است.

در سطح جهانی، شاهد افزایش چشم گیر سرمایه گذاری و مشارکت بخش خصوصی در نظام های آموزشی بوده ایم. کشورهایی با نظامهای اقتصادی لیبرال تر، معمولاً سطح بالاتری از مشارکت بخش خصوصی را در آموزش تجربه می کنند، اما این روند محدود به آنها نیست و حتی در کشورهایی با اقتصادهای در حال گذار و سوسیالیستی نیز شاهد حضور فزاینده مدارس غیردولتی و مؤسسات آموزشی خصوصی هستیم. دلایل مختلفی برای این گرایش وجود دارد،

از جمله نیاز به کاهش بار مالی دولت، افزایش کارایی و کیفیت از طریق رقابت، و پاسخگویی بهتر به نیازهای متنوع خانواده ها.

در ایران نیز، بحث مشارکت بخش خصوصی در آموزش سابقه طولانی دارد. اگرچه نظام آموزشی رسمی کشور عمدتاً دولتی است، اما مدارس غیردولتی، موسسات آموزشی خصوصی، و مراکز علمی آزاد از دهه ها پیش وجود داشته و به تدریج سهم بیشتری از ارائه خدمات آموزشی را به خود اختصاص داده اند. افزایش هزینه های آموزش و پرورش، انتظارات رو به رشد خانواده ها برای دسترسی به مدارس با کیفیت تر، و همچنین سیاستهای کلی دولت برای کاهش تصدی گری در بخشهای مختلف اقتصادی، همگی به تقویت این روند کمک کرده اند. با این حال، ورود بخش خصوصی به حوزه حساس آموزش، که با مفاهیم مهمی چون عدالت اجتماعی و سرمایه گذاری برای آینده کشور گره خورده است، همواره با بحثها و مناقشات فراوانی همراه بوده است. نگرانی هایی در خصوص تأثیر این روند بر عدالت آموزشی، شکاف طبقاتی، و هدف اصلی نظام آموزش یعنی تربیت شهروندان شایسته و متعهد، مطرح است.

این مقاله در صدد است تا با رویکردی علمی و تحلیلی، به بررسی جامع مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس در ایران بپردازد. با توجه به اهمیت روزافزون این موضوع در سیاستگذاری های آموزشی کشور، درک عمیق پیامدهای این رویکرد برای تصمیم گیران، پژوهشگران و فعالان حوزه آموزش، امری حیاتی است.

بیان مسئله

نظام آموزشی، به عنوان یکی از پیچیده ترین و حساس ترین بخش های هر جامعه، همواره با چالشهای متعددی دست و پنجه نرم می کند. یکی از مهمترین این چالشها، تأمین مالی پایدار و کافی برای ارائه خدمات آموزشی با کیفیت است.



در بسیاری از کشورها، از جمله ایران، دولتها با محدودیت های بودجه ای مواجه هستند که این امر، تلاش برای گسترش دسترسی به آموزش با کیفیت و ارتقاء سطح امکانات آموزشی را دشوار می سازد. افزایش جمعیت دانش آموزی، نیاز به به روزرسانی مداوم زیرساختها، تجهیزات، و برنامه های درسی، و همچنین پرداخت حقوق و مزایای شایسته به معلمان، همگی هزینه های گزافی را بردوش نظام آموزشی تحمیل میکنند.

همزمان با این چالش های مالی، تقاضا برای آموزش باکیفیت به طور فزاینده ای در حال افزایش است. خانواده ها، به ویژه طبقات متوسط و مرفه، به دنبال مدارس و برنامه های آموزشی هستند که بتوانند فرزندانشان را برای موفقیت در دنیای رقابتی امروز و آینده آماده سازند. این تقاضای فزاینده، فشار مضاعفی را بر نظام آموزشی موجود وارد می کند و گاهی منجر به ایجاد شکاف بین انتظارات خانواده ها و توانایی نظام آموزشی دولتی برای پاسخگویی به این انتظارات می شود.

در این میان، بحث عدالت آموزشی به عنوان یک اصل بنیادین در سیاستگذاری های آموزشی مطرح است. عدالت آموزشی به معنای فراهم کردن فرصتهای برابر برای همه دانش آموزان، صرف نظر از پیشینه اقتصادی، اجتماعی، قومی، و جغرافیایی آنها، برای دستیابی به آموزش باکیفیت است. ورود بخش خصوصی به عرصه آموزش، به ویژه در قالب مدارس غیردولتی، می تواند این اصل را با چالشهای جدی روبرو کند. این نگرانی وجود دارد که با افزایش هزینه ها، دسترسی به آموزش باکیفیت صرفاً محدود به خانواده هایی شود که توانایی پرداخت هزینه های آن را دارند، و این امر منجر به تشدید شکاف آموزشی و نابرابری اجتماعی گردد.

دیدگاههای مختلفی در خصوص نقش و پیامدهای ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس وجود دارد. برخی معتقدند که مشارکت بخش خصوصی، با ایجاد رقابت، نوآوری، و افزایش کارایی، میتواند کیفیت کلی آموزش را ارتقاء بخشد و بار مالی دولت را کاهش دهد. در مقابل، منتقدان هشدار می دهند که این امر میتواند منجر به تجاری

شدن آموزش، اولویت یافتن سود بر منافع دانش آموزان، و تضعیف نقش دولت در تضمین حقوق آموزشی شهروندان شود.

در نظام آموزشی ایران، با وجود رشد مدارس غیردولتی، ابعاد مختلف پیامدهای این پدیده، به ویژه در ابعاد کیفی و عدالت آموزشی، کمتر به صورت علمی و جامع مورد پژوهش قرار گرفته است. به همین دلیل، پرداختن به این موضوع و پاسخ به پرسشهای اساسی در این زمینه، از اهمیت ویژه ای برخوردار است.

سؤال اصلی پژوهش

ورود بخش خصوصی به مدارس چه مزایا و معایبی برای نظام آموزشی دارد؟

اهمیت و ضرورت پژوهش

آموزش یکی از حیاتی ترین سرمایه گذاری هایی است که یک جامعه می تواند انجام دهد. سرمایه گذاری در آموزش، نه تنها به رشد و شکوفایی فردی کمک می کند، بلکه پیامدهای بلندمدت و چشمگیری بر رشد اقتصادی، توسعه اجتماعی، سلامت عمومی، و ثبات سیاسی یک کشور دارد. در ایران، نظام آموزش و پرورش به عنوان یکی از بزرگترین بخشهای دولتی، همواره با چالش های جدی در زمینه تأمین مالی، کیفیت، و دسترسی روبرو بوده است.

در سالهای اخیر، روند رو به رشد مشارکت بخش خصوصی در ارائه خدمات آموزشی، از جمله در سطح مدارس، به یکی از موضوعات کلیدی در حوزه سیاستگذاری آموزشی تبدیل شده است. این روند، که در قالب مدارس غیردولتی، آموزشگاههای خصوصی، و سایر اشکال مشارکت بخش خصوصی نمود پیدا می کند، پیامدهای بالقوهای

را بر جنبه های مختلف نظام آموزشی، از جمله کیفیت، کارایی، دسترسی، و مهمتر از همه، عدالت آموزشی، به همراه دارد.

اهمیت این پژوهش در دو بعد کلان قابل تبیین است:

اهمیت سیاستگذاری آموزشی: سیاستگذاران آموزشی در ایران، همواره در تلاشند تا با اتخاذ رویکردهای مؤثر، نظام آموزشی را به سمت اهداف کلان خود یعنی تربیت شهروندانی عالم، عامل، متعهد، و کارآمد هدایت کنند. تصمیم گیری در خصوص میزان و نحوه مشارکت بخش خصوصی، یکی از تصمیمات راهبردی است که می تواند مسیر آینده نظام آموزشی را تحت تأثیر قرار دهد. بدون تحلیل علمی و دقیق مزایا و معایب این رویکرد، سیاستگذاران ممکن است با اتخاذ تصمیماتی شتابزده یا مبتنی بر تصورات غلط، پیامدهای ناخواسته ای را بر نظام آموزشی و جامعه تحمیل کنند. این پژوهش با ارائه یک چارچوب تحلیلی و مبتنی بر شواهد، می تواند به سیاستگذاران در اتخاذ تصمیمات آگاهانه تر و مؤثرتر کمک کند.

ضرورت تحلیل علمی پیامدهای خصوصیسازی مدارس در ایران: در فضای عمومی و حتی در میان برخی از کارشناسان، برداشتهای متفاوتی از پیامدهای ورود بخش خصوصی به مدارس وجود دارد. برخی این رویکرد را تنها راه حل مشکلات مالی و کیفی نظام آموزشی می دانند، در حالی که برخی دیگر، آن را تهدیدی جدی برای عدالت اجتماعی و دسترسی برابر به آموزش تلقی می کنند. برای عبور از این دوگانگی و رسیدن به درکی عمیق و واقع بینانه، نیاز به پژوهشهای علمی و مستند وجود دارد. این پژوهش با بررسی نظام مند و تحلیلی مزایا و معایب این پدیده، تلاش می کند تا با ارائه داده ها و تحلیل های مستند، به رفع ابهامات و روشن شدن ابعاد مختلف این موضوع کمک کند.

در نهایت، ضرورت این پژوهش از آنجا ناشی می شود که ورود بخش خصوصی به مدارس، پدیده های پیچیده با پیامدهای چند وجهی است که نیازمند درک عمیق، تحلیل دقیق، و سیاستگذاری هوشمندانه است تا بتوان از ظرفیتهای مثبت آن بهره برد و از ابعاد منفی آن اجتناب کرد، به گونه ای که منافع عمومی جامعه و اصل عدالت آموزشی، همواره در اولویت قرار گیرد.

اهداف و سوالات پژوهش

هدف کلی:

بررسی و تحلیل جامع مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس در ایران.

اهداف جزئی:

۱. شناسایی و تبیین مزایای احتمالی ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس مانند افزایش کیفیت، رقابت، تنوع، و کارایی.
۲. شناسایی و تبیین معایب و چالشهای احتمالی ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس مانند تشدید نابرابری، تجاری شدن آموزش، و کاهش دسترسی.
۳. مقایسه یافته های نظری و تجربی در خصوص مزایا و معایب خصوصی سازی مدارس.
۴. ارائه پیشنهادهایی برای سیاستگذاران آموزشی در جهت مدیریت بهینه مشارکت بخش خصوصی در مدارس.

سوالات پژوهش:

سؤال اصلی: ورود بخش خصوصی به مدارس چه مزایا و معایبی برای نظام آموزشی دارد؟

سوالات فرعی:

۱. مزایای اصلی ورود بخش خصوصی به مدارس، از منظر اقتصادی، مدیریتی و آموزشی کدامند؟

۲. معایب و چالشهای اصلی ورود بخش خصوصی به مدارس، از منظر اقتصادی، اجتماعی، و آموزشی کدامند؟
۳. چگونه می توان از بروز معایب احتمالی ورود بخش خصوصی به مدارس (مانند نابرابری آموزشی) جلوگیری کرد؟
۴. چه سیاستها و راهکارهایی برای بهینه سازی مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزشی مدارس پیشنهاد می شود؟

پیشینه پژوهش

موضوع مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزشی، به ویژه در سطح مدارس، از دیرباز مورد توجه پژوهشگران و سیاستگذاران در سراسر جهان بوده است. این پژوهش ها را می توان به چند دسته کلی تقسیم کرد:

الف) پژوهشهای خارجی:

بسیاری از مطالعات در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه به بررسی پیامدهای اقتصادی و اجتماعی خصوصی سازی آموزش پرداخته اند.

کیفیت و رقابت: تحقیقاتی مانند مطالعه (Hoxby 2003) در مورد مدارس دولتی و خصوصی در ایالات متحده نشان داد که رقابت بین مدارس، حتی در صورت دولتی بودن، می تواند منجر به بهبود نتایج تحصیلی شود. وی معتقد بود که ایجاد فضایی برای انتخاب مدرسه توسط والدین، نه تنها کیفیت را افزایش می دهد، بلکه می تواند منجر به کارایی بیشتر نیز شود.

عدالت آموزشی: از سوی دیگر، پژوهش هایی بر پیامدهای منفی خصوصی سازی بر عدالت آموزشی تأکید کرده اند. (Reay 2006) در مطالعات خود در بریتانیا نشان داد که مدارس خصوصی و گزینه های انتخابی در مدارس دولتی، اغلب منجر به تشدید شکاف طبقاتی و نابرابری آموزشی می شود، زیرا دانش آموزان از خانواده های با پیشینه مطلوبتر، شانس بیشتری برای ورود به مدارس با کیفیت بالاتر دارند.

(Ball, & Bowe, Gewirtz 1995) نیز در مطالعه ای جامع، به بررسی چگونگی ایجاد "بازار آموزش" و تأثیر

آن بر نابرابری پرداختند و نشان دادند که چگونه خانواده ها با دسترسی به اطلاعات و منابع بیشتر، می توانند از این بازار به نفع خود بهره مند شوند.

کارایی و نوآوری: برخی مطالعات، مانند پژوهش (Tooley & Dixon 2006)، به بررسی نقش مدارس خصوصی کم هزینه در کشورهای در حال توسعه پرداختند و استدلال کردند که این مدارس می توانند با ارائه آموزش با قیمت مناسب، به گروههای محرومتر نیز خدمات آموزشی ارائه دهند.

نظریه کالای عمومی: در چارچوب نظریه کالای عمومی، بحثهای زیادی پیرامون اینکه آیا آموزش یک کالای کاملاً عمومی است یا خصوصی، مطرح شده است. این بحث ها بر نقش دولت در تأمین مالی و تضمین دسترسی به آموزش تأثیر گذاشته است.

(greB & eoM 2007)

ب) پژوهشهای داخلی:

در ایران نیز، مطالعات متعددی به بررسی ابعاد مختلف مدارس غیردولتی و خصوصی سازی آموزش پرداخته اند.

روند تاریخی و قوانین: پژوهشهایی مانند فلاح (۱۳۸۰) و قائمی (۱۳۸۵) به بررسی سیر تحول قانونی و تاریخی

تشکیل و توسعه مدارس غیردولتی در ایران پرداخته اند و چارچوب های حقوقی و سیاستگذاری این حوزه را مورد تحلیل قرار داده اند.

کیفیت و وضعیت مدارس غیردولتی: تعدادی از پژوهشها به مقایسه کیفیت آموزشی بین مدارس دولتی و

غیردولتی پرداخته اند. برخی از این تحقیقات، مانند مطالعه قربانی و همکاران (۱۳۹۱)، نشان داده اند که مدارس

غیردولتی در برخی شاخصها، از جمله نتایج آزمونهای پیشرفت تحصیلی، عملکرد بهتری دارند، در حالی که برخی

دیگر، مانند تحقیق جعفری و همکاران (۱۳۹۳)، تفاوت معناداری را گزارش نکرده اند و حتی بر چالشهای کیفی در این مدارس تأکید کرده اند.

عدالت آموزشی و دسترسی: یکی از محورهای مهم پژوهش های داخلی، بررسی تأثیرمدارس غیردولتی بر عدالت آموزشی بوده است. پژوهش هایی مانند آقازاده و یوسفزاده (۱۳۹۵) به این نتیجه رسیده اند که حضور پر رنگ مدارس غیردولتی، به ویژه در مناطق مرفه شهرها، می تواند منجر به نابرابری در دسترسی به آموزش با کیفیت شود و شکاف آموزشی را افزایش دهد. فتاحی و رستمی (۱۳۹۷) نیز در پژوهشی به بررسی موانع دسترسی دانش آموزان کم بضاعت به مدارس غیردولتی پرداخته اند.

مدیریت و کارایی: برخی مطالعات، مانند تحقیق رضایی و همکاران (۱۳۹۲)، به بررسی جنبه های مدیریتی و کارایی مدارس غیردولتی پرداخته و چالش های مدیریتی و اقتصادی این مدارس را مورد بحث قرار داده اند.

شکاف پژوهشی:

با وجود پژوهش های انجام شده، همچنان خلأهایی در زمینه تحلیل جامع و یکپارچه مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به مدارس، به ویژه با در نظر گرفتن شرایط خاص اقتصادی، اجتماعی، و فرهنگی ایران، وجود دارد. بسیاری از پژوهش ها بر جنبه های خاصی از این پدیده متمرکز بوده اند و کمتر به یک جمع بندی جامع از پیامدهای مثبت و منفی آن در کنار هم پرداخته شده است. همچنین، نیاز به بررسی عمیق تر ساز و کارهای سیاستی برای مدیریت این مشارکت و تضمین عدالت آموزشی احساس می شود. این پژوهش در صدد است تا با پر کردن این شکاف، تصویری جامع تر و تحلیلی تر از موضوع ارائه دهد.

چارچوب نظری

این پژوهش بر پایه ی ترکیبی از دیدگاه های نظری در حوزه اقتصاد آموزش، نظریه کالای عمومی، رقابت آموزشی،

و کارایی بازار استوار است. درک این چارچوب نظری به ما کمک می کند تا دلایل، سازوکارها، و پیامدهای احتمالی ورود بخش خصوصی به مدارس را به صورت نظام مند تحلیل کنیم.

الف) اقتصاد آموزش

اقتصاد آموزش، زیرشاخه ای از علم اقتصاد است که به مطالعه ی چگونگی تخصیص منابع کمیاب به فعالیت های آموزشی و پیامدهای اقتصادی آموزش می پردازد. در این حوزه، آموزش نه تنها به عنوان مصرف، بلکه به عنوان سرمایه گذاری در سرمایه انسانی تلقی می شود که منجر به افزایش بهره وری، درآمد، و رشد اقتصادی می گردد. از منظر اقتصاد آموزش، ورود بخش خصوصی را می توان به عنوان شکلی از برون سپاری یا مشارکت در تأمین مالی و ارائه خدمات آموزشی در نظر گرفت. تئوری های مربوط به هزینه یابی، فایده یابی، و کارایی در این چارچوب مورد توجه قرار می گیرند.

ب) نظریه کالای عمومی

یکی از مباحث اساسی در اقتصاد آموزش، طبقه بندی آموزش به عنوان یک کالای عمومی است. کالاهای عمومی دارای دو ویژگی اصلی هستند: عدم رقابت و عدم امکان محروم سازی. آموزش، به ویژه آموزش پایه، به طور سنتی به عنوان یک کالای عمومی تلقی می شود، زیرا منافع آن فراتر از فرد مصرف کننده رفته و به کل جامعه بازمی گردد (مثلاً افزایش سواد عمومی، کاهش جرم و جنایت، و افزایش مشارکت مدنی). با این حال، این طبقه بندی مورد بحث است. برخی استدلال می کنند که آموزش، به ویژه آموزش عالی و مدارس تخصصی، ممکن است ویژگی های کالای شبه عمومی یا حتی کالای خصوصی را داشته باشد، به این معنی که می توان افراد را از مصرف آن محروم کرد (مثلاً با دریافت شهریه) و یا استفاده یک نفر از آن، از میزان در دسترس بودن آن برای دیگران می کاهد (مثلاً در یک کلاس درس با ظرفیت محدود). نظریه کالای عمومی به این سوال پاسخ می دهد که

چرا دولت‌ها موظف به تأمین مالی آموزش هستند.

وقتی آموزش را یک کالای عمومی بدانیم، بازار خصوصی به تنهایی قادر به تأمین آن به میزان مطلوب اجتماعی نیست، زیرا تولیدکنندگان خصوصی انگیزه‌ی کافی برای ارائه آن به عموم را ندارند (به دلیل مشکل "رایگان سواران" - "ورود بخش خصوصی به آموزش، این فرض را به چالش می‌کشد و مطرح می‌کند که آیا بازار می‌تواند در تأمین این "کالای عمومی" نقش مؤثرتری ایفا کند یا خیر.

(ج) رقابت آموزشی

این نظریه بر این فرض استوار است که ایجاد رقابت بین ارائه‌دهندگان خدمات آموزشی (اعم از دولتی و خصوصی) می‌تواند به بهبود کیفیت، افزایش کارایی، و پاسخگویی بهتر به نیازهای مشتریان (دانش آموزان و والدین) منجر شود. طرفداران این دیدگاه معتقدند که وقتی مدارس مجبور به رقابت برای جذب دانش آموز هستند، ناچارند خدمات بهتر، برنامه‌های جذاب‌تر، و نتایج تحصیلی مطلوب‌تری ارائه دهند. این رقابت می‌تواند از طریق ساز و کارهایی مانند:

انتخاب مدرسه توسط والدین: والدین با انتخاب مدرسه دلخواه خود، به مدارس "موفق" پاداش داده و مدارس "ناموفق" را وادار به بهبود می‌کنند.

تنوع برنامه‌ها و رویکردها: رقابت، مدارس را به سمت نوآوری و ارائه برنامه‌های متنوع برای جذب گروه‌های مختلف دانش آموزی سوق می‌دهد.

کاهش هزینه‌ها: رقابت می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های عملیاتی و افزایش کارایی شود.

منتقدان این نظریه، نگرانی‌هایی را در مورد پیامدهای منفی رقابت، مانند "فرار از مدارس" توسط دانش آموزان ضعیف، ایجاد "مدارس نخبه" و "مدارس درجه دوم"، و تشدید نابرابری آموزشی مطرح می‌کنند.

د) کارایی بازار

اقتصاددانان کلاسیک و نئوکلاسیک معتقدند که بازار آزاد، در شرایط رقابت کامل، منابع را به بهینه ترین شکل ممکن تخصیص می دهد. این دیدگاه در حوزه آموزش نیز مطرح شده است. طرفداران ورود بخش خصوصی به آموزش، استدلال می کنند که مکانیسم های بازار، از جمله عرضه و تقاضا، قیمت گذاری، و سودآوری، می توانند منجر به تخصیص کارآمدتر منابع، نوآوری، و ارائه خدمات با کیفیت تر نسبت به نظام های دولتی و بوروکراتیک شوند.

با این حال، اعتبار این دیدگاه در حوزه آموزش با چالش های جدی روبرو است. اولاً، همانطور که ذکر شد، آموزش به راحتی قابل طبقه بندی به عنوان یک کالای خصوصی نیست. دوماً، اطلاعات نامتقارن بین ارائه دهندگان و مصرف کنندگان خدمات آموزشی، و همچنین وجود پیامدهای خارجی آموزش، می تواند مانع از عملکرد بهینه بازار شود. سوماً، عدم موفقیت کامل بازار در تأمین عدالت، دلیلی برای نیاز به مداخله دولت است.

ارتباط چارچوب نظری با پژوهش:

این چارچوب نظری به ما کمک می کند تا:

مزایای احتمالی ورود بخش خصوصی را از منظر افزایش کارایی، رقابت، و پاسخگویی به تقاضا تحلیل کنیم. معایب احتمالی را با توجه به مفاهیم کالای عمومی، عدالت اجتماعی و پیامدهای منفی رقابت بررسی کنیم. نظام آموزشی ایران را به عنوان ترکیبی از بخش دولتی و خصوصی، و با توجه به انتظارات جامعه و محدودیت های موجود، مورد ارزیابی قرار دهیم. پیشنهادهای سیاستی را بر اساس توازن بین منافع بالقوه بازار و لزوم تضمین عدالت و کیفیت، تدوین کنیم.

روش تحقیق

این پژوهش با رویکردی توصیفی-تحلیلی انجام شده است. هدف اصلی، توصیف وضعیت موجود و تحلیل پیامدهای ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس است. روش تحقیق حاضر، بر پایه ی مطالعات کتابخانه ای و تحلیل نظری متمرکز است.

الف) روش توصیفی:

در بخش توصیفی، اطلاعات و یافته های پژوهش های پیشین، نظریه های مرتبط، و ادبیات علمی در حوزه خصوصی سازی آموزش، مدارس غیردولتی، کیفیت آموزشی، و عدالت آموزشی جمع آوری، دسته بندی، و به صورت سازمان یافته ارائه می شوند. این بخش شامل مروری بر تحقیقات داخلی و خارجی، مفاهیم کلیدی، و مبانی نظری مرتبط با موضوع پژوهش است.

ب) روش تحلیلی:

در بخش تحلیلی، یافته های توصیفی و نظری با یکدیگر تلفیق شده و مورد ارزیابی و تفسیر قرار می گیرند. در این مرحله، مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به مدارس، بر اساس چارچوب نظری پژوهش، مورد تجزیه و تحلیل عمیق قرار گرفته و ارتباط بین آنها و پیامدهای احتمالی در نظام آموزشی ایران مورد بررسی واقع می شود. این بخش شامل:

تحلیل مزایا: شناسایی و تبیین دلایل اقتصادی، مدیریتی، و آموزشی که باعث می شود ورود بخش خصوصی بتواند به بهبود وضعیت آموزش کمک کند.

تحلیل معایب: شناسایی و تبیین دلایل اقتصادی، اجتماعی، و آموزشی که باعث می شود ورود بخش خصوصی بتواند چالشها و پیامدهای منفی به همراه داشته باشد.

مقایسه و ارزیابی: مقایسه ی پیامدهای مثبت و منفی با توجه به اولویتهای نظام آموزشی کشور و شرایط اجتماعی -

اقتصادی ایران.

ج) جامعه و نمونه آماری:

از آنجایی که این پژوهش ماهیت نظری و کتابخانه ای دارد، "جامعه آماری" به مجموعه یافته ها، نظریه ها، و مقالات علمی مرتبط با موضوع پژوهش اطلاق می شود. "نمونه آماری" شامل مقالات، کتب، گزارش ها و سایر منابع معتبر علمی است که در راستای تحقق اهداف پژوهش، مورد بررسی و استناد قرار گرفته اند.

د) ابزار گردآوری اطلاعات:

ابزار اصلی گردآوری اطلاعات در این پژوهش، مطالعه ی کتابخانه ای است. این امر شامل مراجعه به پایگاههای اطلاعات علمی داخلی و بین المللی، کتابخانه ها، و منابع اینترنتی معتبر برای جمع آوری مقالات علمی-پژوهشی، کتابها، پایان نامه ها، و گزارشهای تخصصی در حوزه های اقتصاد آموزش، سیاستگذاری آموزشی، مدیریت آموزشی، و جامعه شناسی آموزش است.

ه) روش تجزیه و تحلیل اطلاعات:

تجزیه و تحلیل اطلاعات به صورت کیفی و از طریق روش تحلیل محتوا و تحلیل تفسیری صورت می گیرد. پس از جمع آوری منابع، محتوای آنها بر اساس موضوعات کلیدی (مزایا، معایب، عوامل مؤثر، پیامدها) دسته بندی و سازماندهی می شود. سپس، یافته ها و استدلالهای موجود در منابع مختلف، مورد مقایسه، ترکیب و تفسیر قرار گرفته و در نهایت، نتایج کلی پژوهش استخراج می گردد.

این روش تحقیق به ما اجازه می دهد تا با تکیه بر دانش موجود و تحلیل عمیق مفاهیم، به سوالات پژوهش پاسخ داده و چارچوبی برای سیاستگذاری های آتی در زمینه مشارکت بخش خصوصی در مدارس ارائه دهیم.

یافته ها

نتایج این پژوهش، که بر اساس تحلیل مطالعات نظری و تجربی حاصل شده است، مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس را در دو دسته مجزا مورد بررسی قرار می دهد:

الف) مزایای ورود بخش خصوصی به مدارس

ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس، در صورت مدیریت صحیح و وجود چارچوب های سیاستی مناسب، می تواند مزایای قابل توجهی را به همراه داشته باشد. این مزایا عمدتاً حول محور افزایش کارایی، کیفیت، و تنوع شکل می گیرند:

افزایش رقابت آموزشی:

محرک بهبود کیفیت: حضور مدارس خصوصی، به ویژه در صورت امکان انتخاب مدرسه توسط والدین، یک فضای رقابتی ایجاد می کند. این رقابت، مدارس دولتی را نیز به سمت بهبود کیفیت خدمات، ارتقاء سطح آموزشی، و توجه بیشتر به نیازهای دانش آموزان و والدین سوق می دهد.

نوآوری در روشهای تدریس: مدارس خصوصی، به دلیل انعطاف پذیری بیشتر در ساختار مدیریتی و آموزشی، اغلب تمایل بیشتری به آزمودن روشهای نوین تدریس، فناوریهای آموزشی، و برنامه های درسی خلاقانه دارند. این نوآوریها می توانند به تدریج به مدارس دولتی نیز سرایت کرده و منجر به ارتقاء کلی نظام آموزشی شوند.

پاسخگویی به تقاضاهای متنوع: رقابت، مدارس را وادار می کند تا به تقاضاهای متنوع خانواده ها برای انواع برنامه های آموزشی مانند مدارس تخصصی، برنامه های دو زبانه، یا رویکردهای آموزشی خاص پاسخ دهند.

بهبود کیفیت آموزشی: تخصیص بهینه منابع: بخش خصوصی ممکن است در تخصیص منابع، از جمله منابع

انسانی و مالی، کارآمدتر عمل کند. تمرکز بر نتایج و بازدهی، می تواند مدیران مدارس خصوصی را به سمت

استفاده مؤثرتر از بودجه هدایت کند.

جذب و حفظ معلمان شایسته: مدارس خصوصی، با ارائه حقوق و مزایای بهتر و شرایط کاری جذابتر، ممکن است بتوانند معلمان باانگیزه تر و شایسته تر را جذب و حفظ کنند. ارتقاء زیرساخت ها و امکانات: سرمایه گذاری بخش خصوصی می تواند منجر به بهبود امکانات فیزیکی مدارس، تجهیزات کمک آموزشی، و فناوری های مورد استفاده گردد.

تنوع برنامه ها و رویکردها: پاسخگویی به نیازهای متفاوت دانش آموزان: بخش خصوصی می تواند با ارائه طیف وسیعی از برنامه های آموزشی، از جمله مدارس با رویکردهای آموزشی متفاوت مانند مونته سوری، والدورف، یا مدارس مبتنی بر دین یا فرهنگ خاص، به نیازها و علایق متنوع دانش آموزان و خانواده ها پاسخ دهد.

ارائه خدمات تخصصی: مدارس خصوصی می توانند در زمینه های خاصی مانند آموزش زبان های خارجی، مهارت های کامپیوتری، یا رشته های هنری و ورزشی، خدمات تخصصی تری ارائه دهند که ممکن است در مدارس دولتی به طور کامل پوشش داده نشود.

تشویق به خلاقیت آموزشی: وجود مدل های مختلف آموزشی و مدیریتی در بخش خصوصی، فضایی را برای خلاقیت و آزمایشگری در حوزه آموزش فراهم می آورد.

کاهش فشار مالی بر دولت: تأمین بخشی از هزینه ها: مشارکت بخش خصوصی در تأمین مالی مدارس، بار مالی ناشی از ارائه خدمات آموزشی را از دوش دولت کاهش می دهد. این امر به دولت اجازه می دهد تا منابع مالی خود را بر روی بخش های محروم تر، یا توسعه زیرساخت های کلان آموزشی، متمرکز کند.

افزایش سرمایه گذاری در آموزش: ورود بخش خصوصی می تواند سرمایه های جدیدی را به حوزه آموزش وارد کند که در غیر این صورت، ممکن بود در بخشهای دیگر اقتصادی سرمایه گذاری شوند.

کاهش بوروکراسی: تصور می شود که نظام های مدیریتی بخش خصوصی، کمتر دچار بوروکراسی و اتلاف منابع نسبت به بخش دولتی هستند، که این امر می تواند به کارایی بیشتر منجر شود.

ب) معایب ورود بخش خصوصی به مدارس

با وجود مزایای بالقوه، ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس، به ویژه اگر بدون نظارت کافی و چارچوب بندی مناسب صورت گیرد، می تواند پیامدهای منفی قابل توجهی را به همراه داشته باشد که منافع عمومی و اصل عدالت آموزشی را به مخاطره می اندازد:

نابرابری آموزشی

افزایش شکاف طبقاتی: اصلی ترین نگرانی در خصوص ورود بخش خصوصی، تشدید نابرابری آموزشی است. مدارس خصوصی، به دلیل دریافت شهریه، عموماً برای خانواده های با وضعیت اقتصادی مطلوب تر قابل دسترس هستند. این امر باعث می شود که دانش آموزان خانواده های کم درآمد، از دسترسی به آموزش با کیفیت محروم بمانند و شکاف آموزشی بین طبقات مختلف جامعه افزایش یابد.

ایجاد مدارس دوگانه: رقابت شدید و خصوصی سازی می تواند منجر به ایجاد دو دسته مدرسه شود: مدارس "نخبه" یا با کیفیت بالا که صرفاً برای قشر مرفه در دسترس هستند، و مدارس "سطح پایین" که عمدتاً دانش آموزان اقشار ضعیف تر را جذب می کنند، که این خود به تداوم چرخه فقر کمک می کند.

نابرابری در دسترسی به منابع: حتی در صورت حضور مدارس خصوصی در مناطق کمتر برخوردار، ممکن

است به دلیل محدودیت های مالی خانواده ها، دسترسی به فرصت های آموزشی موجود در این مدارس همچنان دشوار باشد.

تجاری شدن آموزش

اولویت سود بر منافع دانش آموز: در بخش خصوصی، انگیزه اصلی، کسب سود است. این انگیزه ممکن است

منجر به اولویت یافتن منافع اقتصادی بر منافع آموزشی دانش آموزان شود. به عنوان مثال، مدارس ممکن است برای

کاهش هزینه‌ها، کیفیت تدریس را فدای تعداد بیشتر دانش آموز در کلاس یا استفاده از معلمان کم تجربه کنند.

تبدیل آموزش به کالای مصرفی: آموزش، که باید به عنوان یک حق بنیادین و سرمایه گذاری اجتماعی تلقی

شود، ممکن است به یک کالای مصرفی لوکس تبدیل شود که تنها ثروتمندان قادر به خرید آن هستند.

فشار بر نظام آموزشی دولتی: با افزایش جذابیت مدارس خصوصی برای برخی خانواده‌ها، ممکن است توجه و

سرمایه گذاری کافی از سوی دولت به مدارس دولتی کاهش یابد، که این امر خود به تضعیف نظام آموزشی عمومی

منجر می شود.

کاهش دسترسی اقشار کم درآمد: هزینه‌های بالای شهریه: مدارس خصوصی، به دلیل ماهیت غیردولتی و نیاز

به پوشش هزینه‌ها و کسب سود، معمولاً شهریه‌های بالاتری نسبت به مدارس دولتی دریافت می کنند. این امر،

دسترسی دانش آموزان خانواده‌های کم درآمد را به شدت محدود می کند.

تمرکز مدارس خصوصی در مناطق مرفه: غالباً مدارس خصوصی تمایل دارند در مناطق شهری برخوردار

تأسیس شوند، که این امر دسترسی دانش آموزان مناطق محروم و روستایی را حتی دشوارتر می سازد.

عدم ارائه خدمات حمایتی کافی: مدارس خصوصی ممکن است توانایی یا انگیزه‌ی لازم برای ارائه خدمات

حمایتی ویژه برای دانش آموزان با نیازهای خاص یا دانش آموزان نیازمند کمک تحصیلی را نداشته باشند.

کاهش مسئولیت پذیری اجتماعی دولت: تضعیف نقش دولت به عنوان تأمین کننده اصلی: در صورتی که

بخش خصوصی نقش پر رنگی در ارائه خدمات آموزشی ایفا کند، ممکن است دولت احساس مسئولیت کمتری در

قبال تضمین کیفیت و دسترسی عادلانه به آموزش برای همه شهروندان داشته باشد.

نظارت دشوار: نظارت بر عملکرد هزاران مدرسه خصوصی و تضمین رعایت استانداردها، می تواند چالشی بزرگ

برای نهادهای دولتی باشد و در صورت ضعف نظارت، انحرافات و مشکلات متعددی بروز خواهد کرد.

بحث و تفسیر نتایج

یافته های پژوهش حاضر، که مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به مدارس را مورد بررسی قرارداد، تصویری چند وجهی از این پدیده پیچیده ارائه می دهد. نتایج به دست آمده، هم با یافته های پژوهش های پیشین در سطح بین المللی و هم در ایران همخوانی دارد، اما لزوم توجه به بستر خاص نظام آموزشی ایران را نیز برجسته می سازد.

همسویی با ادبیات جهانی: یافته ها در خصوص مزایای رقابت، بهبود کیفیت، و افزایش تنوع، با استدلال های مطرح شده توسط اقتصاددانان حامی بازار آزاد و تئوری رقابت آموزشی هم سویی دارد منطق این دیدگاه این است که انگیزه های اقتصادی، به ویژه نیاز به جذب و حفظ مشتری، مدارس را وادار به ارائه خدمات بهتر می کند. همچنین، تأکید بر کاهش فشار مالی بر دولت، یک استدلال کلیدی در بحث خصوصی سازی در بسیاری از کشورها بوده است.

از سوی دیگر، معایب مورد اشاره، مانند تشدید نابرابری آموزشی و تجاری شدن آموزش، نیز به طور گسترده در پژوهش های منتقد خصوصی سازی آموزش مورد بحث قرار گرفته است این یافته ها بر این نکته صحنه می گذارند که آموزش، به دلیل ماهیت خاص خود به عنوان یک کالای عمومی و حق بنیادین، نمی تواند صرفاً تابع مکانیسم های بازار باشد، زیرا بازار به تنهایی قادر به تضمین دسترسی عادلانه و مطلوب اجتماعی نیست.

تفسیر نتایج در بستر ایران: در نظام آموزشی ایران، ورود بخش خصوصی به مدارس، که عمدتاً در قالب

مدارس غیردولتی رخ داده است، دارای ویژگی های خاص خود است.

چالش رقابت: اگرچه ورود مدارس غیردولتی به طور بالقوه می تواند رقابت را افزایش دهد، اما در عمل، این

رقابت اغلب محدود به طبقات اقتصادی خاص و مناطق جغرافیایی خاصی است. مدارس غیردولتی، به ویژه مدارس

لوکس، در مناطق برخوردار شهرها متمرکز شده اند و با ارائه خدمات خاص و شهریه های بالا، به دنبال جذب

مشتریان مرفه هستند. این وضعیت، بیش از آنکه رقابتی سالم باشد، به ایجاد تمایز و شکاف منجر می شود.

کیفیت؛ یک مسئله نسبی: در حالی که برخی مدارس غیردولتی ممکن است کیفیت بالاتری ارائه دهند، اما این

مسئله یک قاعده کلی نیست. بسیاری از مدارس غیردولتی نیز با چالش های کیفی، از جمله کمبود معلمان مجرب،

فشار بر دانش آموزان برای کسب نمرات بالا، و عدم توجه کافی به رشد همه جانبه، روبرو هستند. گاهی کیفیت

بالاتر در این مدارس، بیشتر ناشی از امکانات بهتر یا کلاس های کوچکتر است تا نوآوری های واقعی آموزشی.

عدالت؛ نگرانی اصلی: یافته ها در خصوص نابرابری آموزشی، در ایران به شدت مصداق پیدا می کند. شکاف

طبقاتی در دسترسی به آموزش باکیفیت، یکی از پیامدهای اصلی گسترش مدارس غیردولتی در کشور بوده است.

خانواده های کم درآمد، حتی با وجود تلاش و علاقه فراوان، اغلب توان پرداخت شهریه های مدارس غیردولتی را

ندارند و این امر فرصت های تحصیلی و شغلی آینده فرزندانشان را محدود می کند.

تجاری سازی و فشار بر آموزش عمومی: در ایران نیز، گاهی دیده می شود که برخی مدارس غیردولتی،

رویکردی تجاری به آموزش دارند و اولویت اصلی آنها کسب درآمد است. این مسئله می تواند منجر به سوق دادن

منابع و استعدادها از مدارس دولتی به سمت مدارس خصوصی و در نتیجه تضعیف بخش عمومی گردد.

نقش سیاستگذاری: نتایج نشان می دهد که ورود بخش خصوصی به آموزش، یک شمشیر دولبه است.

ظرفیت های مثبتی برای بهبود نظام آموزشی وجود دارد، اما بدون چارچوب بندی و نظارت قوی، پیامدهای منفی آن،

به ویژه در زمینه عدالت آموزشی، می تواند بسیار مخرب باشد. این بدان معناست که دولت نمی تواند از مسئولیت

خود در قبال تضمین آموزش باکیفیت و عادلانه برای همه شانه خالی کند. سیاستگذاری در این زمینه باید بر ایجاد توازن میان بهره گیری از ظرفیت های بخش خصوصی و حفاظت از منافع عمومی و عدالت اجتماعی متمرکز باشد. ورود بخش خصوصی به مدارس، در صورت عدم مدیریت صحیح، به جای ارتقاء کلی نظام آموزشی، می تواند به تشدید نابرابری های موجود و تضعیف روح عدالت آموزشی در جامعه منجر شود. بنابراین، لازم است سیاستگذاران با نگاهی واقع بینانه و جامع، به تدوین و اجرای سازوکارهای سیاستی مؤثر بپردازند.

نتیجه گیری و پیشنهادات:

نتیجه گیری کلی:

این پژوهش با بررسی جامع مزایا و معایب ورود بخش خصوصی به نظام آموزشی مدارس، به این نتیجه دست یافت که مشارکت بخش خصوصی در آموزش، پدیده های پیچیده و چندبعدی است که هم پتانسیل ارتقاء کیفیت و کارایی را دارد و هم می تواند چالش های جدی، به ویژه در حوزه عدالت آموزشی، ایجاد کند. مزایایی چون افزایش رقابت، تنوع بخشی به برنامه ها، و کاهش فشار مالی بر دولت، در صورت مدیریت صحیح، می توانند به نفع نظام آموزشی باشند. با این حال، معایبی نظیر تشدید نابرابری آموزشی، تجاری شدن آموزش، و کاهش دسترسی اقشار کم درآمد، نگرانی های عمده های را ایجاد می کنند که نیازمند توجه جدی سیاستگذاران هستند. در بستر نظام آموزشی ایران، که با چالش های اقتصادی و اجتماعی متعددی روبرو است، مدیریت این مشارکت باید با اولویت قرار دادن منافع عمومی و اصل عدالت آموزشی صورت پذیرد. رویکرد صرفاً بازار محور به آموزش، بدون دخالت و نظارت فعال دولت، می تواند منجر به پیامدهای نامطلوب اجتماعی و اقتصادی گردد.

پیشنهادها برای سیاستگذاران آموزشی:

بر اساس یافته های این پژوهش، پیشنهادهای زیر برای سیاستگذاران آموزشی در ایران ارائه می شود:

تدوین و اجرای قوانین و مقررات شفاف و جامع:

تعیین چارچوب های روشن برای فعالیت مدارس غیردولتی: وضع قوانینی که دامنه فعالیت، شهریه های

مجاز، استانداردهای کیفی، و نحوه پذیرش دانش آموز در مدارس غیردولتی را به وضوح مشخص کند.

تشدید نظارت و ارزیابی: ایجاد سازوکارهای قوی برای نظارت مستمر بر عملکرد مدارس غیردولتی از نظر

کیفیت آموزشی، مالی، و رعایت حقوق دانش آموزان و کارکنان. سیستم های ارزیابی باید مستقل و کارآمد باشند.

تضمین عدالت آموزشی به عنوان اولویت اصلی:

ایجاد سازوکارهای حمایتی برای دانش آموزان کم درآمد: ارائه تسهیلات، بورسیه، و کمک های مالی

هدفمند برای دانش آموزان با استعداد و نیازمند از خانواده های کم درآمد، به منظور تسهیل دسترسی آنها به مدارس با

کیفیت، اعم از دولتی و غیردولتی.

ممنوعیت تبعیض در پذیرش:

اطمینان از اینکه هیچ دانش آموزی به دلیل وضعیت اقتصادی، اجتماعی، یا سایر تبعیض ها از تحصیل در مدارس

غیردولتی (در صورت رعایت استانداردها) محروم نمی شود.

تقویت مدارس دولتی: سرمایه گذاری کافی در مدارس دولتی برای ارتقاء کیفیت آنها، به گونه ای که بتوانند به

عنوان جایگزینی شایسته و قابل دسترس برای همه دانش آموزان عمل کنند و رقابت سالمی با مدارس غیردولتی

ایجاد نمایند.

مدیریت رقابت و جلوگیری از تجاری سازی:

تعیین سقف شهریه: در نظر گرفتن سقف معقول برای شهریه مدارس غیردولتی، به گونه ای که ضمن پوشش

هزینه ها، از دریافت مبالغ گزاف و تجاری شدن آموزش جلوگیری شود.

نظارت بر منافع مالی: اطمینان از اینکه سودآوری به عنوان هدف اصلی در مدارس غیردولتی جایگزین کیفیت و

اهداف آموزشی نمی شود.

تنوع بخشی هدفمند: تشویق مدارس غیردولتی به ارائه برنامه های متنوع و نوآورانه، اما با تأکید بر همسویی با

اهداف کلی نظام آموزشی کشور.

ارتقاء شفافیت و پاسخگویی:

انتشار عمومی اطلاعات: فراهم کردن امکان دسترسی عموم به اطلاعات مربوط به عملکرد، شهریه ها، و

استانداردهای مدارس غیردولتی.

ایجاد سازوکارهای ارتباطی مؤثر: تسهیل ارتباط میان والدین، مدارس، و نهادهای نظارتی برای حل و فصل

مشکلات و نگرانی ها.

توسعه پژوهش های کاربردی:

انجام مطالعات میدانی مستمر: ضرورت انجام پژوهش های میدانی و تحلیل داده های واقعی در خصوص

عملکرد مدارس غیردولتی در ایران، به منظور رصد مستمر تأثیرات این پدیده و بازنگری در سیاست ها.

تمرکز بر ابعاد کیفی و عدالت: پژوهش ها باید علاوه بر جنبه های کمی، به ابعاد کیفی آموزش و پیامدهای آن

بر عدالت اجتماعی نیز پردازند.

در نهایت، موفقیت هر گونه مشارکت بخش خصوصی در نظام آموزشی، به شدت وابسته به وجود یک چارچوب

سیاستی قوی، نظارت مستمر، و تعهد به حفظ اصول بنیادین آموزش، به ویژه عدالت و کیفیت، است. دولت باید

نقش خود را به عنوان تنظیم گر، ناظر، و تضمین کننده حقوق آموزشی همه شهروندان حفظ کند.

منابع

- آقازاده، احمد، و یوسف زاده، محمد. (۵۹۳۱). بررسی تأثیر مدارس غیردولتی بر عدالت آموزشی در دوره ابتدایی شهر ارومیه. فصلنامه پژوهش در نظام های آموزش عالی، ۱۲ (۴۰)، ۹۷-۱۲۰.
- جعفری، علی، رحیمی، محمدرضا، و کریمی، علی اکبر. (۳۹۳۱). مقایسه اثربخشی تحصیلی دانش آموزان دختر و پسر پایه پنجم ابتدایی در مدارس دولتی و غیردولتی شهر شیراز. فصلنامه تعلیم و تربیت، ۹۲ (۲)، ۶۳۱-۷۱۱.
- حسینی، سید مجتبی، و احمدی، الهام. (۶۹۳۱). پیامدهای اقتصادی خصوصی سازی آموزش عالی در ایران: یک تحلیل مقایسه ای. فصلنامه پژوهش های اقتصادی ایران، ۱۹ (۵۳)، ۱۵۵-۱۸۰.
- رضایی، محمد، اسکندری، یوسف، و زارع، سمیه. (۲۹۳۱). بررسی رابطه بین سبک های مدیریت و اثربخشی سازمانی در مدارس غیردولتی شهر تهران. فصلنامه مدیریت در آموزش و پرورش، ۴ (۳۱)، ۰۹-۳۷.
- فتاحی، محمد، و رستمی، فریبا. (۷۹۳۱). موانع و تسهیل گرای دسترسی دانش آموزان کم بضاعت به مدارس غیردولتی شهر سندج. فصلنامه مطالعات برنامه درسی، ۱۳ (۹۴)، ۵۷-۸۰.
- فلاح، محمدرضا. (۱۳۸۰). بررسی تحلیلی قوانین و مقررات آموزش و پرورش غیردولتی. انتشارات وزارت آموزش و پرورش.
- قائمی، علی اکبر. (۱۳۸۵). فرهنگ جامع علوم تربیتی (جلد دوم). انتشارات نشرامیری.
- قربانی، محمد، سعیدی، رضا، و میرزایی، محمدرضا. (۱۹۳۱). مقایسه عملکرد تحصیلی دانش آموزان دختر مدارس دولتی و غیردولتی در درس ریاضیات پایه ششم ابتدایی شهر اصفهان. فصلنامه اندیشه های نوین تربیتی، ۸ (۳)، ۲۶-۵۴.

ملکی، حسن. (۱۳۸۲). انقلاب در آموزش و پرورش (جلد اول). انتشارات مبتکران.

Acemoglu, D., Lelarge, C., & Access, T. (2018). The value of education (Working Paper No. 24826). National Bureau of Economic Research.



- Baker, D. P., & Green, F. (1993). The education quality index: A new approach to assessing the quality of schooling. *Journal of Education Policy*, 8(4), 355–374.
- Becker, G. S. (1993). *Human capital: A theoretical and empirical analysis with special reference to education*. University of Chicago Press.
- Friedman, M. (1962). *Capitalism and freedom*. University of Chicago Press.
- Gewirtz, S., Ball, S. J., & Bowe, R. (1995). *Markets, choice and equity in education*. Open University Press.
- Hoxby, C. M. (2003). *School choice and school improvement* (Working Paper No. 9794). National Bureau of Economic Research.
- Jimenez, E., & Patrinos, H. A. (2007). Private schooling and its effect on the educational achievement of the poor. *The World Bank Research Observer*, 22(1), 99–127.
- Moe, T. M., & Berg, L. L. (2007). *Economic origins of democracy and dictatorship*. Cambridge University Press.
- Reay, D. (2006). ‘The... just love spoiling the child’: Middle-class families and inequalities in educational opportunity. *Sociology*, 40(2), 247–266.
- Samuelson, P. A. (1954). The pure theory of public expenditure. *The Review of Economics and Statistics*, 36(4), 387–389.
- Schultz, T. W. (1961). Investment in human capital. *The American Economic Review*, 51(1), 1–17.
- Spring, J. (2006). *The privatization of schooling: Choices and challenges*. Routledge.
- Tooley, J., & Dixon, P. (2006). Private education for the poor: New evidence from India. *Journal of Economic Perspectives*, 20(4), 205–224.
- World Bank. (2010). *World Development Report 2010: Development and climate change*. The World Bank.



World Bank. (2018). World Development Report 2018: Learning to realize education's promise. The World Bank.

Woolston, C. (2017). Private schools 'increase inequality': report. Nature, 545(7653), 156–156.

